

## تحلیل و بررسی مهدویت در تفاسیر مهم مذاهب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مرتضی عبدی چاری\*

### مقدمه

قرآن در کنار سنت، معجزه پیامبر اسلام و راهنمای هدایت بشر است که مهم‌ترین منبع شناخت عقاید، احکام، اخلاق و دیگر معارف اسلامی به‌شمار می‌آید. برای فهم آن، کتاب‌های بسیاری به نام «تفسیر» نگاشته‌اند. کتاب‌های تفسیر هر فرقه از مذاهب اسلامی، بیانگر گزیده‌ای از عقاید، احکام و اصول اخلاقی آنان است؛ بر همین اساس، منبع درخور توجهی برای شناخت معارف آن مذهب، به‌ویژه مسائل اعتقادی پیروان آن به‌شمار می‌رود.

مفسران اهل سنت با دو‌گرایش کلامی «معتزله» و «اشاعره» نیز در ضمن بیان فهم خود از آیات قرآن، عقاید، احکام و مبانی اخلاقی خویش را نیز تبیین کرده‌اند؛ از این‌رو واکاوی تفاسیر آنان با رویکرد مهدوی، نقشی مهم در فهمیدن عقاید آنان درباره این آموزه بالنده دارد.

درباره خود امام مهدی علیه السلام در قرآن چیزی بیان نشده است؛ اما آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که با مهدویت و اتفاقات مربوط به دوران ظهور ایشان ارتباط تنگاتنگی دارد؛ این مسئله به اعتراف بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت در قالب روایات در ذیل آیات آمده است. با بررسی‌های انجام‌شده از تفاسیر شیعه و اهل سنت، مفسران به هجده محور در حوزه مهدویت توجه کرده‌اند. این محورها عبارت است از: ضرورت وجود امام مهدی علیه السلام؛ غیبت (اعم از صغرا و کبرا)؛ رجعت (اعم از ائمه و غیر ائمه) و همین‌طور قبل از شهادت و بعد از شهادت حضرت مهدی علیه السلام؛ انتظار؛ یاران حضرت مهدی علیه السلام؛ نشانه‌های ظهور؛ بررسی فضیلت سوره‌ها (در حوزه مهدویت)؛ ویژگی‌های امام مهدی (اعم از خاص و عام)؛ وضعیت جهان قبل از ظهور؛

---

\* دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی).

وضعیت جهان بعد از ظهور و زمان استقرار حکومت؛ بشارت (پیش‌گویی) درباره ظهور امام قبل از ولادت ایشان؛ القاب و کنیه امام؛ یاجوج و ماجوج؛ حکومت امام مهدی؛ دین در عصر ظهور؛ نزول حضرت عیسی؛ وضعیت احکام در عصر ظهور و اشراف الساعه.<sup>۱</sup>

محورهای یکم تا هفتم را تنها مفسران شیعه مطرح کرده‌اند و در یازده محور بعدی با دیگر مذاهب اسلامی اشتراک نظر دارند؛ البته این هجده محور یکجا در هیچ‌یک از تفاسیر جمع نشده و هر یک از مفسران مذاهب اسلامی به بخش‌هایی از محورها درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با توجه به اعتقادات خود پرداخته‌اند که در این مقاله لازم و ضروری است به تفکیک مذاهب اسلامی و به صورت موضوعی به بعضی از آن تفاسیر پرداخته شود.

### مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت برخلاف اینکه به آمدن مهدی از قبیله قریش اعتقاد جدی دارند، به دنیا آمدن امام مهدی را نمی‌پذیرند.<sup>۲</sup> این مسئله به طور طبیعی محورهایی مانند غیبت و نشانه‌های ظهور را از دور خارج می‌کند. آنان بر اساس این مبنا، به این دو مسئله در قرآن نپرداخته‌اند. «رجعت» مسئله دیگری است که در مبانی اهل سنت روی خوشی به آن نشان داده نشده است. بعضی از آنان معتقدین به رجعت را در حدومرز کفر می‌دانند.<sup>۳</sup> نکته دیگر اینکه فقهی بودن مذاهب فقهی اهل سنت، تأثیری در دیدگاه آنان در باب مهدویت ندارد؛ لذا با توجه به این محورها به بررسی موضوعات مطرح شده در اندیشه مفسران دو مذهب کلامی اهل سنت پرداخته خواهد شد.

### ۱. مهدویت در تفاسیر با گرایش کلامی معتزله

تعدادی از مفسران اهل سنت با گرایش کلامی به مکتب معتزله، به مطالبی اشاره کرده‌اند که می‌شود آن‌ها را بر مهدویت حمل نمود. اکنون به گزارشی از برخی از مهم‌ترین تفاسیر آنان اشاره می‌شود:

۱. «اشراف» جمع «شرط» و به معنای علامت و «ساعة» به معنای قیامت است. مقصود از آن نشانه‌های قیامت است؛ چنانچه در آیه هجدهم سوره محمد عز وجل آمده است: «فَهَلْ يُنظَرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَافُهَا». به نظر می‌رسد در بدو امر، ارتباطی بین اشراف الساعه و مهدویت وجود ندارد؛ اما این دو موضوع به دلایل ذیل با هم ارتباط دارند: اول: ظهور حضرت مهدی و نزول حضرت عیسی در روایت متعددی از فریقین در جایگاه اشراف الساعه ذکر شده است. دوم: مواردی از قبیل خروج سفیانی، دجال و خسف که در منابع اهل سنت با عنوان اشراف الساعه مطرح گردیده، در منابع امامیه علائم ظهور دانسته شده‌اند.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۸ و شبراوی، الاتحاف بحب الاشراف، ص ۱۸۰-۱۷۹.

۳. مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵.

### ۱-۱. احکام القرآن اثر احمد بن علی جصاص (۳۳۳ ق)

این تفسیر درباره امام مهدی مطلبی بیان نکرده است و فقط در دو آیه به بیان اشراف الساعه پرداخته است که در آیه ۳۸ سوره یس به مناسبت الشمس، طلوع شمس از مغرب را مطرح نموده است؛ سپس به معرفی نشانه‌های قیامت پرداخته است که از جمله آن‌ها دجال و دابه الارض است.<sup>۱</sup> او در آیه ۶۱ سوره زخرف منظور از علم الساعه را نزول عیسی دانسته است.<sup>۲</sup>

### ۲-۱. النکت و العیون اثر محمد بن حیب ماوردی بصری (۴۵۰ ق)

مطالب تفسیری در این تفسیر به صورت نکته به نکته بیان شده است. ایشان در ذیل شش آیه نکاتی درباره مهدویت را بیان کرده است. او در آیه هفتم سوره آل عمران، اشراف الساعه و نزول عیسی را از محکومات قرآن برشمرده است.<sup>۳</sup> در آیه ۱۵۹ سوره نساء مسئله ایمان را در سه وجه بیان کرده است: ایمان به عیسی قبل از موت مسیح؛ ایمان به عیسی قبل از موت کتابی و ایمان به پیامبر اکرم قبل از موت. در این باره گفته است: «همه این سه وجه در زمان نزول عیسی خواهد بود».<sup>۴</sup>

در آیه ۱۵۸ سوره انعام هم منظور از بعض آیات را اشراف الساعه دانسته که از جمله آن‌ها دجال و نزول عیسی است.<sup>۵</sup> او در آیات بعدی به بیان وضعیت جهان می‌پردازد. در آیه ۳۳ سوره توبه برای غلبه اسلام شش تأویل را بیان کرده است:

- با نزول عیسی، همه مسلمان می‌شوند و خدا را عبادت می‌کنند؛
- شرایع اسلام غلبه داده می‌شود و مردم از آن مطلع می‌شوند؛
- غلبه دین اسلام؛ اگرچه مشرکان آنجا باشند؛
- دلایل و حجت‌های اسلام از سوی خداوند آشکار می‌شود؛
- برای قریش دورحلت است و خداوند در بلد آن دورحله، اسلام را غلبه خواهد داد؛
- دین اسلام بر همه ادیان استعلا پیدا می‌کند.<sup>۶</sup>

۱. جصاص، احکام القرآن، ج ۵، ص ۲۴۹-۲۴۸.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۶۶-۲۶۵.

۳. الماوردی، النکت و العیون، ج ۱، ص ۳۶۹.

۴. همان، ج ۱، ص ۵۴۴.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۹۰.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۵۶-۳۵۵.

در ذیل آیه ۵۵ سوره نور با ذکر روایتی از پیامبر اکرم این آیه را به غلبه اسلام در سراسر گیتی تأویل برده و بیان کرده که همه مسلمان خواهند شد؛ همین‌طور در آیه چهارم سوره محمد برای اوزار الحرب پنج وجه نقل کرده که وجه پنجم آن از قول کلبی به غلبه اسلام بر همه ادیان تأویل رفته است و در وجه چهارم آن از قول مجاهد به نزول عیسی<sup>۱</sup> و در آیات دیگر مثل آیه ۵۱ سوره سجده در احتمال هفتم، با ذکر روایتی از امام صادق<sup>علیه السلام</sup>، منظور از عذاب اکبر را خروج امام مهدی دانسته‌اند.<sup>۲</sup> و در آیه ۵۱ سوره سبأ منظور از «اذا فرعوا» را به سپاه سفیانی تأویل برده‌اند.<sup>۳</sup> عمده موضوعات مطرح‌شده در تفاسیر معتزلی، به مباحث «غلبه اسلام بر همه ادیان، اشراط الساعه، دجال، نزول عیسی، طلوع خورشید از مغرب، سفیانی و خروج امام مهدی» است؛ هرچند نقل صریح خودشان نیست.

## ۲. مهدویت در تفاسیر با گرایش کلامی اشاعره

بیشتر اهل تسنن به مکتب کلامی اشاعره باور دارند؛ لذا مفسران بیشتری مباحث مرتبط با مهدویت را در تفاسیرشان آورده‌اند که به گزارشی از برخی از مهم‌ترین تفاسیر آنان اشاره می‌شود:

### ۱-۲. جامع‌البیان فی تفسیر القرآن اثر ابوجعفر محمد بن جریر طبری (۳۱۰ ق)

او در باب مهدویت در تفسیر خود موضوعاتی را مطرح کرده است و در ذیل نه آیه به موضوعاتی همچون نزول حضرت عیسی پرداخته است.

**نزول حضرت عیسی:** او در ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران به‌طور مفصل با ذکر روایاتی زیادی از طریق صحابه رسول اکرم، به مسئله نزول حضرت و اقدامات ایشان از جمله قتل دجال، حکم به عدل و قسط، امنیت کامل جهانی (زندگی شیر با شتر و گوسفند با گرگ بدون تعرض به یکدیگر)، شکستن صلیب، برداشتن جزیه و غنی کردن مردم از جهت مالی و همین‌طور به فوت ایشان و نمازخواندن مسلمانان بر جنازه او به شیوه اسلام اشاره نموده است.<sup>۴</sup>

او با بیان دیدگاه بیش از چهل صحابی و مفسر و ذکر روایات متعدد در ذیل آیه ۱۵۹ سوره

۱. همان، ج ۴، ص ۲۹۴-۲۹۵.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۶۱.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۵۸.

۴. طبری، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۰۲.

نساء ثابت کرده است که یهود و نصارا قبل از مرگشان در دوران نزول حضرت به او ایمان می‌آوردند؛ البته در بعضی از روایات هم به سیره و اقدامات ایشان مثل غلبه کامل اسلام و یکی شدن ملت‌ها و ادیان و قتل دجال، اشاره شده است.<sup>۱</sup>

**اشراط الساعه:** او مسئله غلبه کامل اسلام و قتل دجال را در ذیل آیه ۲۸ فتح و در آیه ۹ سوره صف بدون ذکر قتل دجال، تکرار می‌کند. طبری در ذیل آیه ۱۵۸ سوره انعام منظور از آیات را طلوع شمس از محل غروبش می‌داند که در آن زمان، ایمان فایده‌ای برای مردم ندارد. او به‌طور مفصل، تقریباً همه اقوال و دیدگاه‌های مفسران را در ذیل آیه بیان کرده است که در لابه‌لای این اقوال به بعضی دیگر از اشراط الساعه از جمله «خروج دجال، خروج دابه‌الأرض، خروج یأجوج و مأجوج و دخان» اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

او در ذیل آیه ۹۸ سوره کهف به بیان داستان یأجوج و مأجوج و چگونگی پشت سد قرار گرفتن آن‌ها از سوی ذوالقرنین و همین‌طور هویت و خروجشان از سد در آخرالزمان به‌نشانه اشراط الساعه اشاره می‌کند و در بعضی از دیدگاه‌ها به نزول عیسی و خروج دجال و کشته شدنش به دست حضرت می‌پردازد و می‌گوید: «این‌ها وعده خداوند است».<sup>۳</sup>

طبری به مناسبت کلمه دخان در آیه دهم سوره دخان به ویژگی این دود و زمانش و همراهی این دود با دیگر اشراط الساعه مثل نزول عیسی، آتشی که از عدن خارج می‌شود، خروج دابه‌الأرض و دجال اشاره کرده است.<sup>۴</sup>

طبری در آیه دیگر با ذکر دوازده دیدگاه اعم از روایات، قول صحابه و اقوال مفسران منظور از «لَعَلَّمُ لِّلسَّاعَةِ»<sup>۵</sup> را نزول عیسی می‌داند؛ چراکه نزول حضرت جزو اشراط الساعه است.<sup>۶</sup>

**انکار رجعت:** طبری در ذیل آیه ۳۸ سوره نحل روایتی از بشر بن معاذ را چنین ذکر می‌کند: «مردی به ابن عباس گفت: مردم عراق گمان می‌کنند علی در قبل از قیامت مبعوث می‌شود و ازدواج می‌کند و میراثش را تقسیم می‌کند و این آیه شامل این مسئله می‌شود. ابن عباس در پاسخ

۱. همان، ج ۶، ص ۱۷-۱۴.

۲. همان، ج ۸، ص ۷۷-۷۰.

۳. همان، ج ۱۶، ص ۲۳-۲۲.

۴. همان، ج ۲۵، ص ۶۸-۶۷.

۵. زخرف: ۶۱.

۶. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۵، ص ۵۴.

می‌گوید: آنان دروغ می‌گویند و این حرف‌های عوام‌الناس است. به جانم قسم! اگر علی قبل از قیامت مبعوث شود، نه می‌تواند ازدواج کند و نه می‌تواند میراثش را تقسیم کند»<sup>۱</sup>.  
**خسف بیداء:** اخذ در مکان قریب آیه ۵۱ سبأ، همان فرورفتن در بیداء است.<sup>۲</sup>

## ۲-۲. تفسیر القرآن العظیم اثر عبدالرحمن بن محمد بن ادريس رازی ابن ابی حاتم (۳۲۷ ق)

ابن ابی حاتم درباره اتفاقات عصر مهدوی مطالبی آورده است و در تفسیر خود به این موضوعات پرداخته است:

**ظهور امام مهدی علیه السلام:** ابن ابی حاتم در ذیل آیه ۱۱۴ سوره بقره خزی در دنیا را به زمان قیام امام مهدی تأویل برده و گفته است: «اگر امام قیام کند قسطنطنیه را فتح می‌کند و آنان را می‌کشد و این برای آنان خزی است»<sup>۳</sup>.

**نزول حضرت عیسی علیه السلام:** ابن ابی حاتم در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء مثل اکثر مفسران اهل سنت به بحث نزول عیسی علیه السلام و ایمان آوردن همه اهل کتاب به آن حضرت پرداخته و به مناسبت، به سیره و اقدامات او مانند قتل خوک و شکستن صلیب و برداشتن صلیب پرداخته است.<sup>۴</sup> کشته شدن دجال از دیگر اقدامات آن حضرت است که این مفسر، آن را در ذیل آیات ۱۴۵ سوره اعراف و آیه ۷۱ سوره انبیاء و آیه ۴۲ سوره قلم آورده است.<sup>۵</sup> نزول عیسی نیز از مصادیق آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره نساء و آیه ۱۸۱ سوره اعراف و آیه ۶۱ سوره زخرف است.<sup>۶</sup>

**اشراط الساعه:** این مفسر در ذیل آیه ۱۵۸ سوره انعام منظور از بعض آیات را طلوع شمس از مغرب دانسته است.<sup>۷</sup> این نشانه را همه مفسران اهل سنت با عنوان اشراط الساعه بیان کرده‌اند. شکسته شدن سد و خروج یأجوج و مأجوج از پشت آن در آخر الزمان از جمله مطالبی است که در ذیل آیه ۹۸ سوره کهف و آیه ۹۶ سوره انبیاء است.<sup>۸</sup> این مفسر دجال را مصداق آیه ۵۶ سوره

۱. همان، ج ۱۴، ص ۷۳-۷۲.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۶۳.

۳. ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۲۱۱.

۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۱۴-۱۱۱۳.

۵. همان، ج ۵، ص ۱۵۶۵-۱۵۶۴ و ج ۸، ص ۲۴۵۷ و ج ۱۰، ص ۳۳۶۸-۳۳۶۷.

۶. همان، ج ۴، ص ۱۱۱۲-۱۱۱۰ و ج ۵، ص ۱۶۲۳ و ج ۱۰، ص ۳۲۸۵.

۷. همان، ج ۵، ص ۱۴۲۸-۱۴۲۷.

۸. همان، ج ۸، ص ۲۳۹۱-۲۳۹۰ و ص ۲۴۶۸-۲۴۶۷.

غافر دانسته است.<sup>۱</sup>

**دابه الأرض:** ابن ابی حاتم در تفسیر قرآن عظیم ذیل آیه ۸۲ سوره نمل با بیان روایتی از پیامبر گرامی اسلام ذکر می‌کند که شخصی در آخرالزمان خروج می‌کند که در دستان او عصای موسی و انگشتر سلیمان نبی است و با عصای موسی دماغ کفار را به خاک می‌مالد و با خاتم سلیمان چهره مؤمن را روشنایی می‌بخشد؛ سپس با ذکر روایاتی به مصادیق دابه‌الأرض و ویژگی‌های آن می‌پردازد.<sup>۲</sup>

**غلبه اسلام:** ابن ابی حاتم در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه بدون اینکه از منقضی کننده همه ادیان و ایجادکننده آسایش نامی ببرد، اشاره دارد که اسلام بر همه ادیان غلبه کامل پیدا خواهد کرد و همه ادیان و اهل کفر از بین خواهد رفت. همه جهان و حتی حیوانات در آسایش کامل در کنار هم زندگی می‌کنند؛ بدون اینکه به همدیگر تعرض کنند. یک سری اتفاقات دیگر را هم بیان کرده که در روایات شیعه و اهل سنت برای اقدامات حضرت عیسی معروف شده است؛ مانند اینکه خوک را بکشد، جزیه را بردارد و صلیب را بشکند.<sup>۳</sup>

ایشان در ذیل دو آیه دیگر مطالبی را مطرح می‌کند که بی‌ارتباط با مباحث مهدوی نیست. او در ذیل آیه ۵۶ سوره بقره به زنده‌شدن گروهی که از موسی درخواست کردند ما ایمان نمی‌آوریم؛ مگر اینکه خدا را با چشم خود ببینیم. خداوند نیز با صاعقه آنان را کشت. خداوند آنان را زنده کرد و با چشم خود زنده شدن یکدیگر را دیدند.<sup>۴</sup> او در ذیل آیه ۲۴۳ سوره بقره نیز به داستان گروهی می‌پردازد که از ترس مرگ از دیارشان خارج شدند و خداوند آنان را میراند و به درخواست پیامبرشان حزقل، زنده شدند.<sup>۵</sup> از این دست مطالب می‌شود برای اثبات عقلی رجعت در آخرالزمان استفاده کرد.

### ۳-۲. تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار) اثر محمد رشید رضا و محمد عبده (۱۳۲۳-۱۳۵۴ ق)

المنار بیشتر، انتقادی است؛ البته ایشان در ذیل آیه ۱۵۸ سوره نساء بیان می‌کند: «امام مهدی از نسل پیامبر اکرم است و از علامت و نشانه‌های او این است که جهان را پر از عدل و داد می‌کند و

۱. همان، ج ۱۰، ص ۳۲۶۸.

۲. همان، ج ۹، ص ۲۹۲۶-۲۹۲۳.

۳. همان، ج ۶، ص ۱۷۸۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۲.

۵. همان، ج ۲، ص ۴۵۸-۴۵۷.

حضرت عیسی نازل می‌شود و اقداماتی همچون برداشتن جزیه و شکستن صلیب و کشتن دجال را انجام خواهد داد<sup>۱</sup>». این تفسیر به نقد تندى درباره مدعیانی همچون مهدی سودانی، باب و بهائیت می‌پردازد.<sup>۱</sup> او در آیه ۳۳ سوره توبه با نقل و نقد همه اقوال درباره زمان غلبه اسلام، قولی از ابن کثیر در تفسیرش ذیل آیه بیان می‌کند مبنی بر اینکه این بشارت فقط در زمان ظهور امام مهدی و پشت سرش نزول عیسی از آسمان و نماز خواندن پشت سر امام به رسم اسلام است.

محمد عبده با بیان نقد این مطلب اضافه می‌کند که هیچ‌کدام از روایات شیعه درباره مهدی صحیح نیستند و بیشتر سیاسی و خرافات و مخالف اصول دین است و من نمی‌پسندم این طور مطالب در این تفسیر باشد؛ سپس نقل می‌کند: «اما بعضی از احادیث درباره نزول عیسی دارای سند صحیح است».<sup>۲</sup> بعد به نقد مطالب در این باره می‌پردازد. ایشان در ذیل آیه ۳۹ انفال<sup>۳</sup> و ۸۹ انعام<sup>۴</sup> و ۲۳ بقره<sup>۵</sup> هر مفسر یا شخصی که ادعا کرده این آیات درباره امام مهدی و ظهورش است را به باد سرزنش گرفته است.

با بررسی انجام شده، بعضی از موضوعات در توجه این مذهب در حوزه مهدویت بوده است. موضوعاتی مانند نزول عیسی، غلبه اسلام، اشراف الساعه و ظهور امام مهدی. صاحب کتاب المنار برخلاف هم‌مسلمانان خود قدم برداشته و به نقد همه آنان می‌پردازد که لازم است تحقیق جامعی در این باره صورت پذیرد.

### مهدویت در تفاسیر شیعه

#### ۱. مهدویت در تفاسیر مفسران مذهب زیدیه

اکنون چهار تفسیر از این مذهب در دسترس است؛ لذا به مهدویت در این تفاسیر اشاره می‌شود:

#### ۱-۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان اثر مقاتل بن سلیمان بلخی (۱۵۰ ق)

این تفسیر به سه موضوع در حوزه مهدویت پرداخته است:

۱. محمد عبده، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ج ۶، ۵۹-۵۷.
۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۹۴-۲۹۰.
۳. همان، ج ۹، ص ۶۶۶.
۴. همان، ج ۷، ۵۹۵.
۵. همان، ج ۶، ص ۲۲۸.

**حضرت عیسی:** او در سوره آل عمران آیه ۵۵ زمان نزول حضرت عیسی را به عهد دجال گره زده و فوت ایشان را بعد از قتل دجال بیان کرده است.<sup>۱</sup> در سوره نساء آیه ۱۵۷ و ۱۵۸ نیز به معجزه خداوند پرداخته و گفته است: «خداوند چهره یکی از حواریون خیانت کار را به چهره حضرت در آورده و یهودیان به جای عیسی آن را برخلاف انکارش اعدام کرده اند».<sup>۲</sup> او سپس به چگونگی رفع ایشان به آسمان در شب قدر می پردازد.

در همان سوره آیه ۱۵۹ وضعیت حضرت را پس از نزول بررسی می کند و محل نزول ایشان را شهر اقیق می داند و اقدام اولیه ایشان را در آن زمان قتل دجال می داند و مردم در آن زمان علی رغم دروغ پراکنی یهود به حضرت ایمان می آورند و این ایمان تا قیامت باقی است.<sup>۳</sup> او این مسئله را در سوره زخرف آیه ۶۱ بیان می کند.<sup>۴</sup> ایشان در آیه ۱۱۰ سوره مائده<sup>۵</sup> و آیه ۱۵۹ اعراف<sup>۶</sup> به مطالب کلی درباره نزول حضرت عیسی می پردازد.

**دجال:** او درباره دجال در آیه ۷ سوره آل عمران به این قائل است که منظور از تأویل در آیه «ما یعلم تأویله الا الله» ملک است و این تأویل یا ملک برای امت محمد باقی است تا روز قیامت و فقط در زمان ابتلای جامعه به دجال این ملک از آنان برداشته خواهد شد. ایشان پا را از این بالاتر می نهد و می گوید: «راسخان در علم، معلمان علم تورات اند؛ مانند عبدالله ابن سلام و اصحابش از جمله مؤمنین اهل تورات اند».<sup>۷</sup> ایشان معتقد است که جهان به فتنه ای گرفتار خواهد شد که فتنه دجال همه ملک و جهان را تحت سیطره خود خواهد گرفت.

او در سوره اسراء آیه اول به بیان رجعت پیامبر و مشاهدات حضرت در شب معراج می پردازد که از جمله آن ها دجال است و دجال را به شخصی چاق و تپیل با چهره ای گندمگون و مویی فرفری و ریشی پرپشت و چشمانی مالیده شده با پیشانی بلند که مابین چشمانش نوشته کافر و... توصیف می کند.<sup>۸</sup>

۱. مقاتل ابن سلیمان بلخی، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۲۰-۴۲۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۶۸.

۴. همان، ج ۳، ص ۸۰۰.

۵. همان، ج ۱، ص ۵۱۵-۵۱۷.

۶. همان، ج ۲، ص ۶۸.

۷. همان، ج ۱، ص ۲۶۳.

۸. همان، ج ۲، ص ۵۱۹.

او در آیه ۵۶ سوره غافر به خروج دجال می پردازد و دجال را آیت خدا معرفی می کند که مردم به فتنه دجال دچار خواهند شد. آن موقع مردم به خدا پناه می برند.<sup>۱</sup>

**اشراط الساعه:** ایشان در آیه هجدهم سوره محمد از الساعه تعبیر به قیامت نموده است و اشراط را به علامت تعبیر کرده است؛ لذا علامت های قیامت را در سه چیز خلاصه می کند: انشقاق ماه، خروج دجال و خروج پیامبر. او مشخص نکرده که مراد از نبی، کدام پیامبر و در چه زمانی است.<sup>۲</sup>

غیر از این موارد در ذیل آیه ۵۰ الی ۵۴ سوره سباء اشاره ای به خروج سفیانی و پیدا و طلوع خورشید از مغرب کرده و گفته است: «بعد از آن خداوند عذابش را نازل می کند».<sup>۳</sup>

#### ۲-۱. فتح القدير الجامع بين الروايه اثر محمد بن علی شوکانی (۱۲۵۰ ق)

شوکانی در تفسیر خود به پنج موضوع در حوزه مهدویت پرداخته است:

**قیام امام مهدی** علیه السلام: در آیه ۱۱۴ سوره بقره، خزی در دنیا را به قیام مهدی، فتح قسطنطنیه و قتل آنان تأویل برده است.<sup>۴</sup>

**نزول عیسی** علیه السلام: بالا رفتن و نزول حضرت عیسی و سیره و اقداماتش از قبیل قتل دجال، شکستن صلیب، کشتن خوک و حکم کردن بین مردم به شریعت پیامبر اکرم در ذیل آیه ۵۵ سوره آل عمران و آیه ۴ سوره محمد آمده است.<sup>۵</sup> او ایمان اهل کتاب به حضرت عیسی بعد نزولش را در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء آورده است.<sup>۶</sup>

**دجال:** خواندن ده آیه از اوایل سوره کهف انسان را از فتنه دجال می رهاند یا در امان می ماند.<sup>۷</sup>

**خروج سفیانی و خسف به بیداء:** این موضوع در کتاب ایشان در ذیل آیه ۵۱ سوره سباء بررسی شده است و با ذکر روایاتی از پیامبر و صحابه و مفسران منظور از فزع را آن اتفاقی

۱. همان، ج ۳، ص ۷۱۷-۷۱۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۴۷-۴۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۵۹۸-۵۹۹.

۴. شوکانی، فتح القدير الجامع بين الروايه، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۵۴.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۹۶-۳۹۵ و ج ۵، ص ۴۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۶۱۶.

۷. همان، ج ۳، ص ۳۱۸.

می‌داند که بر سر لشکر سفیانی در سرزمین بیداء می‌آید.

**اشراط الساعه:** شوکانی همانند مفسران اهل سنت در ذیل آیه ۶۱ سوره زخرف نزول عیسی و خروج دجال را از جمله اشراط الساعه می‌داند.<sup>۱</sup>  
**غلبه اسلام:** ایشان هم مثل بعضی از اهل سنت، غلبه اسلام را با ذکر روایتی از مجاهد به بعد از نزول حضرت عیسی تأویل برده است.<sup>۲</sup>  
غریب القرآن اثر زید بن علی بن الحسین (۱۲۱ ق) و تفسیر الحبری اثر ابو عبد الله حسین بن حکم حبری کوفی (۲۸۲ ق) از جمله مفسران زیدی‌اند که با تتبع انجام‌شده مطلبی در حوزه مهدویت نداشتند.

## ۲. مهدویت در تفسیر شیعه امامیه (اثنا عشری)

### ۲-۱. تفسیر قمی اثر ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (۳۰۷ ق)

این تفسیر روایی است؛ بنابراین همه مطالب آن صرفاً روایات است. ایشان ذیل آیات قرآن به بسیاری از موضوعات مهدویت از کلام ائمه اطهار علیهم‌السلام پرداخته است که اهم موضوعات عبارت است از:

**رجعت:** این موضوع در ذیل آیه ۵۶ سوره بقره و زنده‌شدن هفتاد نفر، که از موسی درخواست دیدن خدا را کرده بودند، بیان کرده و آن را دلیل بر وقوع رجعت دانسته است.<sup>۳</sup> او مصداق آیه «كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ» در آیه ۳۹ سوره یونس و آیه ۳۹ سوره نحل و آیه ۴۷ سوره کهف را رجعت دانسته است که آن را تکذیب می‌کنند.<sup>۴</sup> همین‌طور مصداق «بَعْضَ الَّذِينَ نَعِدُهُمْ»<sup>۵</sup> را از مصادیق رجعت و قیام حضرت دانسته است.<sup>۶</sup> عذاب ظالمان، زمان رجعت و خروج امام مهدی را نیز در ذیل آیه ۳۳ سوره نحل آورده است.<sup>۷</sup>

ایشان در آیه دیگر بر آن است که منظور از عذاب در آیه ۵۰ سوره یونس، برای مجرمان

۱. همان، ج ۴، ص ۶۴۳ و ۶۴۵.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۶۴.

۳. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۱۲ و ۳۸۵ و ج ۲، ص ۳۶.

۵. یونس: ۴۶.

۶. علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۱۲.

۷. همان، ج ۱، ص ۳۸۵.

آخرالزمان است و منظور از «أَمَّنْتُمْ بِهِ» در آیه بعد را به زمان رجعت و تصدیق امیرالمؤمنین تأویل برده است.<sup>۱</sup> همین‌طور در آیه ۵۴ همین سوره و آیه ۸ سوره هود و آیه ۴۷ سوره طور، ندامت و عذاب را درباره زمان رجعت می‌داند.<sup>۲</sup>

او در آیه ۲۲ نحل می‌گوید: «کافران و مستکبران در زمان رجعت ایمان نمی‌آورند».<sup>۳</sup> زندگی سخت در زمان رجعت است. این مسئله در آیه ۱۲۴ سوره طه آمده است.<sup>۴</sup>

اقوامی که عذاب شدند در زمان رجعت به دنیا باز نمی‌گردند؛ همان‌طور که آیه ۹۵ سوره انبیا به آن اشاره دارد.<sup>۵</sup> در زیور داوود خبرهایی از حضرت مهدی علیه السلام و رجعت آمده است.<sup>۶</sup> همین نکته در ذیل آیه ۲۲ و ۲۳ سوره ذاریات آمده است.<sup>۷</sup>

قمی دابه‌الأرض را با ذکر روایتی به امیرالمؤمنین نسبت داده و آمدنش را در ذیل آیه ۸۲ سوره نمل به زمان رجعت تأویل برده است.<sup>۸</sup> قمی یکی از مصادیق بارز رجعت را آیه ۸۵ سوره نمل می‌داند؛ زیرا خداوند در این آیه فرمود: «از هر فرقه گروهی را محشور می‌کنیم و حال اینکه قیامت همه محشور می‌شوند».<sup>۹</sup> از دیگر مصادیق رجعت آیات ۸۵ سوره قصص، آیات ۲۱ و ۲۷ و ۲۸ سوره سجده، آیات ۱۱ و ۵۱ و ۸۱ سوره غافر، آیه ۱۰ سوره دخان، آیات ۴۱ و ۴۲ و ۴۴ سوره ق، آیه ۵۳ سوره نجم، آیه ۲۶ سوره جن و آیه ۲ سوره مدثر آمده است.<sup>۱۰</sup>

رجعت امیرالمؤمنین<sup>۱۱</sup> و رجعت همه یا بعضی از ائمه<sup>۱۲</sup> در ذیل آیه ۱۵ سوره احقاف و ۲۸ سوره زخرف هم آمده است.

۱. همان، ج ۱، ص ۳۱۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۱۳ و ۳۲۲ و ۳۳۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۳.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۵.

۵. همان، ج ۲، ص ۷۶.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۲۶.

۷. همان، ج ۲، ص ۳۳۰.

۸. همان، ج ۲، ص ۱۳۰.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۰.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۱۴۷ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۲۵۶ و ۲۵۸ و ۲۶۱ و ۲۹۰ و ۳۲۷ و ۳۲۹ و ۳۹۱ و ۳۹۳.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۲۹۷ و ۳۹۱ و ۴۰۶-۴۰۵ و عبس: ۲۲.

۱۲. همان، ج ۲، ص ۲۸۳.

**نزول عیسی:** قمی مسئله ایمان آوردن یهود و نصارا به حضرت عیسی و نمازخواندن ایشان پشت سر امام مهدی را در ذیل آیه ۱۵۹ سوره نساء بیان کرده است.<sup>۱</sup> نزول عیسی و اقدام به قتل دجال را در آیه ۷ سوره شوری آورده است و اشاره‌ای به اجداد امام مهدی نیز کرده است.<sup>۲</sup>

**یاران حضرت مهدی:** ایشان مصداق آیه ۵۴ سوره مانده، آیه ۷ سوره اسراء، آیه ۱۰۵ سوره انبیا و آیه ۴۱ سوره حج را امام مهدی علیه السلام و اصحاب باوفایش دانسته<sup>۳</sup> و منظور از قوت در آیه ۸۰ سوره هود همان قوت قائم است که ۳۱۳ عدد است که رکن شدیدند.<sup>۴</sup>

**ناگهانی بودن ظهور:** او در ذیل آیه ۴۴ سوره انعام با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام، «بغته» را به ظهور ناگهانی حضرت مهدی علیه السلام تأویل برده است.<sup>۵</sup>

**ظهور امام مهدی:** روز ظهور امام جزو ایام الله است که خداوند در قرآن ذیل آیه پنجم سوره ابراهیم بیان فرموده است.<sup>۶</sup> احساس ظهور امام برای بنی امیه بسیار سخت و گران خواهد بود. وقتی حضرت ظهور کند از آنان گنج‌هایی را طلب خواهد کرد که به روم تحویل دادند و آنان زیر سایه شمشیر زندگی خواهند کرد.<sup>۷</sup> این موارد تأویل آیات ۱۱ الی ۱۵ سوره انبیا و به همین معنا در آیه ۴۲ سوره شوری و آیه ۱۷ سوره طارق است و در ذیل آیات ۳۹ و ۶۰ سوره حج امام مهدی علیه السلام انتقام خون امام حسین علیه السلام را خواهد گرفت<sup>۸</sup> و امام در آن زمان، مضطر واقعی است.<sup>۹</sup> ظهور امام مهدی در آیه ۵ سوره قصص نیز وعده‌ای الهی است.<sup>۱۰</sup>

خروج امام مهدی مصداق آیه ۱۰ سوره عنکبوت، آیه ۲۴ سوره شوری، آیه ۱ و ۲ سوره قمر و آیه ۱۹ و ۲۰ سوره مدثر قرار گرفته است.<sup>۱۱</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۶۹-۲۷۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۷۰ و ج ۲، ص ۱۴ و ۷۷ و ۸۷.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۳۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۰۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۳۶۷.

۷. همان، ج ۲، ص ۶۸ و ۲۷۸ و ۴۱۶.

۸. همان، ج ۲، ص ۸۵ و ۸۷.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۲۹ و نمل: ۶۲.

۱۰. همان، ج ۲، ص ۱۳۴.

۱۱. همان، ج ۲، ص ۱۴۹ و ۲۷۵ و ۳۴۰ و ۳۹۵.

**نشانه‌های ظهور:** قمی در ذیل آیه ۳۷ سوره انعام با بیان روایتی از امام صادق علیه السلام، منظور از آیات را چند چیز می‌داند: دابه‌الأرض، دجال، نزول عیسی و طلوع خورشید از محل غروبش.<sup>۱</sup> او در آیه ۵۳ سوره اعراف مصداق آیات تأویل بعد از تنزیل را قیام حضرت مهدی علیه السلام و روز قیامت دانسته است.<sup>۲</sup> همین مسئله در آیه ۳۳ سوره توبه تکرار شده است.<sup>۳</sup>

خروج سفیانی در مقابل امام مهدی یکی از مصداق آیه ۸ سوره اسراء و آیه ۱۱۳ سوره طه است.<sup>۴</sup> ایشان در ذیل آیه ۹۸ سوره کهف علاوه بر نشانه‌های بالا به شرح حال یاجوج و مأجوج و چگونگی پشت سد قرار گرفتن و شکسته شدن آن سد و خروج آن‌ها در آخرالزمان در قالب روایتی طولانی از امیرالمؤمنین پرداخته است.<sup>۵</sup> او ندای آسمانی را در ذیل آیات ۴ شعراء و ۴۱ و ۴۲ سوره ق آورده است.<sup>۶</sup>

قمی در ذیل آیه ۵ سوره سبأ نشانه‌های ظهور را با ذکر روایتی مطرح کرده است؛ از جمله به ندای آسمانی، خروج سفیانی و خسف به بیداء اشاره کرده است؛ علاوه بر این نشانه‌ها به مکان و سخنان حضرت و مضطر بودن ایشان و بیعت‌کنندگان و تعداد اصحاب در هنگام ظهور اشاره کرده است.<sup>۷</sup>

**بشارت به وجود امام مهدی علیه السلام قبل از ولادت:** این مسئله در ذیل آیات ۹۸ سوره کهف است که اجداد حضرت را به ترتیب نام می‌برد.<sup>۸</sup> از دید ایشان «**مَا خَلَفَهُمْ**» در آیه ۱۱۰ سوره طه نیز یعنی همان اخبار قائم.<sup>۹</sup>

**غلبه اسلام:** قمی غلبه اسلام و عدالت‌گستری حضرت مهدی علیه السلام را در ذیل آیه ۲۸ سوره فتح و آیات ۹ و ۱۳ سوره صف و آیه ۲ سوره لیل آورده است.<sup>۱۰</sup>

۱. همان، ج ۱، ص ۱۹۸.
۲. همان، ج ۱، ص ۲۳۶-۲۳۵.
۳. همان، ج ۱، ص ۲۸۹.
۴. همان، ج ۲، ص ۱۴ و ۶۵.
۵. همان، ج ۲، ص ۴۵-۴۰.
۶. همان، ج ۲، ص ۱۱۸ و ۳۲۷.
۷. همان، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۷.
۸. همان، ج ۲، ص ۴۵.
۹. همان، ج ۲، ص ۶۵.
۱۰. همان، ج ۲، ص ۳۱۷ و ۲۶۵ و ۳۶۶ و ۴۲۵.

**ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام:** عهدی را که حضرت آدم فراموش کرد و خداوند در آن عهد از آدم عزم و استواری نیافت، پیامبر و اوصیای ایشان بر آن استوار بودند و مستجمع همه عزم‌ها در قائم و سیره‌اش وجود دارد.<sup>۱</sup>

قمی تأویل «حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» در آیه ۶۹ سوره نساء را قائم آل محمد دانسته است.<sup>۲</sup> از نگاه تفسیری او، امام کسی است که مقدرات عالم در شب قدر به ایشان عرضه می‌شود.<sup>۳</sup>

## ۲-۲. کتاب التفسیر معروف به تفسیر عیاشی اثر ابونصر محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی (۳۲۰ ق)

ایشان در تفسیر روایی خود درباره مهدویت مطالب فراوانی آورده است. او ذیل چهل آیه از قرآن به بسیاری از موضوعات مهدویت از منظر کلام ائمه اطهار پرداخته است. اهم موضوعات عبارت است از:

**نشانه‌های ظهور:** عیاشی تقریباً همه نشانه‌های ظهور امام مهدی را ذیل آیه ۱۴۸ سوره بقره با ذکر روایتی طولانی بیان کرده که عبارت‌اند از: خروج سفیانی، خسف به بیداء، خسف در جزیره العرب، خسف در مشرق و مغرب و آوردن پرچم و پیراهن رسول گرامی اسلام. نظر عیاشی از آوردن این روایت ذیل آیه این بود که این آیه تأویلش جمع شدن یاران حضرت مهدی علیه السلام در زمان ابلاغ ظهور است که به مناسبت اشاره به وضعیت آن زمان، نشانه‌ها، بیعت کنندگان و سخنان حضرت پس از ظهور پرداخته است.<sup>۴</sup>

**خوف و گرسنگی:** گرسنگی قبل از ظهور از نشانه‌های دیگر ظهور است که ایشان در ذیل آیه ۱۵۵ سوره بقره بیان کرده‌اند.<sup>۵</sup> و آوردن پرچم رسول‌الله در زمان ورود به نجف هم در سوره بقره آیه ۲۱۰ آمده است.<sup>۶</sup> و جفنه‌ای<sup>۷</sup> که حضرت مریم از طرف خداوند ارتزاق می‌کرد در دست

۱. همان، ج ۲، ص ۶۶.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۴۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۹۰.

۴. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۶۴-۶۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۶۸.

۶. همان، ج ۱، ص ۱۰۲.

۷. «جفن: الجفنة: القصة الكبيرة، ظرف بزرگ». علی نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۰.

امام مهدی است و در آن روزی می‌خورد.<sup>۱</sup> و خروج سفیانی و خسف به بیداء در سوره‌های نساء آیه ۴۷ و سوره نحل آیه ۴۵ هم آمده است.<sup>۲</sup>

عیاشی در ذیل آیه ۱۵۸ انعام به بعضی از نشانه‌ها مانند «طلوع شمس از مغرب، خروج دابه و دجال» اشاره کرده و گفته است: «بعضی مردم با دیدن این نشانه‌ها بر عمل غیر ایمانی اصرار می‌کنند؛ سپس آیات و نشانه‌ها می‌آید که در آن صورت ایمان برای آنان فایده‌ای ندارد». او در روایت دیگر اشاره دارد به اینکه زمانی که خورشید از محل غروبش طلوع کند، همه مردم مؤمن می‌شوند.<sup>۳</sup>

**رجعت:** اثبات امکان رجعت با کمک آیه ۲۴۳ سوره بقره؛ زنده‌شدن افرادی که از بیم مرگ از خانه‌هایشان خارج شدند و خداوند آنان را [با دعای پیامبر زمان] زنده کرد و به زندگی عادی خود پرداختند.<sup>۴</sup>

عیاشی با ذکر دو روایت تقریباً شبیه به هم در ذیل آیه ۳۸ تا ۴۰ سوره نحل مسئله رجعت و رجعت‌کنندگان را بیان کرده است.<sup>۵</sup>

او ظهور امام مهدی و حکومتش و رجعت امام حسین به همراه هفتاد نفر از یاران شهیدش پس از ظهور و رحلت امام مهدی، غسل دادن و کفن کردن ایشان به دست امام حسین علیه السلام و محل دفن آن حضرت را در ذیل روایتی ذیل آیات ۴ تا ۶ سوره اسراء بیان کرده است و در انتهای روایت امام فرمود: «بعد از امام حسین وصی و ولی دیگر نمی‌آید». او در ذیل آیه ۲۴ سوره کهف از جابر و او هم به نقل از امام باقر علیه السلام، چنین نقل می‌کند: «بعد فوت قائم، منتصر (امام حسین) می‌آید و بعد از فوت ایشان سفاح (امیرالمؤمنین) خواهد آمد و جهان را به دست ایشان اصلاح خواهد کرد». <sup>۷</sup>

**یاران:** تعداد یاران خاص امام مهدی و چگونگی جمع‌شدن آنان را در ذیل آیه ۱۴۸ سوره بقره

۱. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۷۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۴۵ و ج ۲، ص ۲۶۱.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۳۰.

۵. همان، ج ۲، ص ۲۶۰-۲۵۹.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۸۱.

۷. همان، ج ۲، ص ۳۲۶.

و آیه ۸ و ۸۰ سوره هود و آیه ۴۵ سوره نحل بیان کرده است؛ اما تعداد یاران عام حضرت در زمان خروج کمتر از ده هزار نفر نیست؛ این مسئله در ذیل آیه ۲۴۹ سوره بقره آمده است.<sup>۱</sup> عیاشی با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام، ذیل آیه ۱۵۹ اعراف گفته است: «وقتی امام ظهور کند ۲۷ مرد، که پانزده نفر از قوم موسی (آنان که به حق و عدل داوری می‌کردند) و هفت نفر هم از اصحاب کهف همراه با یوشع (وصی موسی)، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر خارج می‌شوند».<sup>۲</sup> عیاشی با ذکر روایت، مصداق آیه ۴۵ ابراهیم را امام مهدی و یارانش دانسته است.<sup>۳</sup> به بیان او اثر خواندن سوره اسراء در هر شب جمعه، درک حضرت مهدی علیه السلام و قرارگرفتن جزو یاران ایشان است.<sup>۴</sup>

**بشارت به ظهور امام قبل از ولادت:** تبدیل شدن انفاق به هفت برابر تمثیلی است که امام صادق علیه السلام، ذیل آیه ۲۶۱ سوره بقره فرمود: «منظور از حبه، فاطمه و منظور از سبع سنابل هفت نفر از اولادش است؛ اول آنان امام حسین و آخرش قائم است».<sup>۵</sup> عیاشی با ذکر روایتی از سلیم بن قیس در ذیل آیه ۵۹ سوره نساء با اشاره به اینکه امام مهدی از نسل پیامبر اکرم و اولاد حسین است، اشاره‌ای به ظهور، عدالت‌گستری و بیعت‌کنندگان با ایشان بین رکن و مقام هم کرده است. عیاشی با ذکر دو روایت مصداق آیه «و لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ»<sup>۶</sup> را ائمه و امام مهدی معرفی کرده است.<sup>۷</sup>

#### نکته‌هایی درباره «سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي»

ظاهراً تطبیق عدد هفت به دوازده امام یا چهارده معصوم مشکل به نظر می‌رسد؛ البته عده‌ای از بزرگان توجیهاتی را ذکر کرده‌اند:

**الف.** منظور از عدد هفت در اینجا، هفت نامی است که چهارده معصوم دارند که عبارت‌اند از: محمد، فاطمه، علی، حسن، حسین، جعفر و موسی. این‌ها تشکیل‌دهنده اسامی هر چهارده

۱. همان، ج ۱، ص ۱۳۴ و ۱۴۱-۱۴۰ و ۱۵۷ و ۲۶۱.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۲.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۳۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۷۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۴۷.

۶. حجر: ۸۷.

۷. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۵۰.

نفر است و مثنائی از ثنا مشتق شده و به مفهوم هم‌ردیفی آن‌ها با قرآن است و خود پیامبر هم داخل در این مفهوم است و درعین حال سبع‌المثنائی به او اعطا شده و میان معطی و معطی‌له تغایر اعتباری کافی است.<sup>۱</sup>

ب. اگر عدد هفت را دو برابر کنیم عدد چهارده به دست می‌آید.

ج. بیش‌تر علوم از هفت امام منتشر گشته است.<sup>۲</sup>

د. روایت فرات<sup>۳</sup> و روایت عیاشی، به اصطلاح محدثان، «مرسل» اند و هیچ‌کدام از آن‌ها سند متصل ندارند و نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد. بعید نیست که این روایات از ساخته‌های اسماعیلیه یا واقفیه باشد که هر دو از فرقه‌های شیعه و معتقد به هفت امام‌اند؛ همان‌گونه که مجلسی نیز به این مطلب اشاره می‌کند.

هـ. ممکن است منظور از سبع‌المثنائی هفت بطن قرآن باشد.

**غلبه اسلام:** روایات، آیه ۸۳ سوره آل‌عمران را به غلبه کامل اسلام تأویل برده‌اند.<sup>۴</sup> عیاشی ذیل آیه ۳۹ سوره انفال درباره غلبه کامل اسلام به ذکر تمثیلی از امام صادق علیه السلام می‌پردازد: «اسلام همانند تاریکی شب که در همه منافذ دنیا نفوذ می‌کند، سراسر گیتی را فرا خواهد گرفت.»<sup>۵</sup> او در ذیل آیه ۳۳ سوره توبه علاوه بر مطالب بالا این نکته را اضافه می‌کند که این غلبه در زمان رجعت رخ خواهد داد.<sup>۶</sup>

**ظهور امام مهدی علیه السلام:** ظهور امام مهدی همان اجل قریب در آیات ۷۷ سوره نساء و ۴۴ سوره ابراهیم است.<sup>۷</sup> عیاشی در ذیل آیه ۳ سوره مائده و آیات ۷ و ۸ سوره انفال، روز ظهور حضرت را روز ناامیدی کفار و بنی‌امیه دانسته است.<sup>۸</sup>

قیام‌کننده با شمشیر درنهایت وارث زمین خواهد شد و این وراثت از ائمه دست‌به‌دست به

۱. حویزی، تفسیر نورالتقلین، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۱۵.

۳. فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۳۱.

۴. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۱-۵۶.

۶. همان، ج ۲، ص ۸۷.

۷. همان، ج ۱، ص ۲۵۸ و ج ۲، ص ۲۳۵.

۸. همان، ج ۱، ص ۲۹۲ و ج ۲، ص ۵۰.

امام مهدی می‌رسد.<sup>۱</sup> خروج امام مهدی مصداق آیات ۳ و ۳۰ و ۳۴ سوره توبه و آیه ۴۶ سوره ابراهیم و آیه ۷۵ سوره مریم قرار گرفته است.<sup>۲</sup>

کشته‌شدن ابلیس به دست امام، تأویل آیه «إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»<sup>۳</sup> است.<sup>۴</sup> حضرت جبرئیل اولین بیعت‌کننده با امام مهدی است او در حال بیعت به صورت پرنده سفید ظاهر می‌شود و مردی را در بالای کعبه و مردی دیگر را در بالای بیت المقدس قرار می‌دهد و آنان با صدایی بلند و رسا فریاد می‌زنند: «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ».<sup>۵</sup>

**انتقام خون امام حسین** علیه السلام: او با استناد به روایتی در ذیل آیه ۳۳ سوره اسراء ثابت کرده است که منظور از مظلوم در آیه، امام حسین است و منظور از منصور نیز حضرت مهدی علیه السلام است؛ لذا منصور انتقام خون مظلوم را می‌گیرد.<sup>۶</sup>

عیاشی با ذکر روایتی در ذیل سوره انفال آیه ۳۹ از امام باقر علیه السلام، به موضوعات فراوانی در حوزه مهدویت اشاره نموده است. موضوعاتی مانند «بشارت به ظهور، آینده بشریت، غیبت، سخنان حضرت بعد از ظهور، اصحاب امام و تعداد آنان، چگونگی جمع‌شدن و محل خروج یاران خاص، امنیت جهانی، احیای قرآن، بیعت‌کنندگان، اقامه سنن، مددهای غیبی، خروج سفیانی، خسف به بیداء و غلبه کامل اسلام».<sup>۷</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۲۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۶ و ۸۶ و ۸۸-۸۷ و ۲۳۵ و ۳۰۲.

۳. حجر: ۳۶.

۴. عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ۲۴۲.

۵. نحل: ۱ و عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۲۵۴.

۶. همان، ج ۲، ص ۲۹۲-۲۹۱.

۷. همان، ج ۲، ص ۶۱-۵۶.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم، مكتبة آية الله المرعشى النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم، عربستان، مكتبة نزار مصطفى الباز، ج ۳، ۱۴۱۹ ق.
۳. الماوردي، محمد بن حبيب، النكت و العيون، دارالكتب العلمية، بيروت ۱۴۱۲ ق.
۴. جصاص، احمد بن على، احكام القرآن، بيروت، دارالاحياء التراث العربى، ۱۴۰۵ ق.
۵. حبرى كوفى، ابو عبدالله حسين بن حكم، تفسير الحبرى، بيروت، مؤسسه آل البيت لأحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۶. حويزى، عبدعلى بن جمعه، تفسير نورالثقلين، قم، اسماعيليان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۷. زيد بن على بن الحسين، تفسير غريب القرآن، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ج ۲، ۱۴۱۸ ق.
۸. شبروى، عبدالله بن محمد بن عامر، الاتحاف بحب الاشراف، قم، رضى، ج ۲، ۱۳۶۳.
۹. شوكانى، محمد بن على، فتح القدير، بيروت، دار ابن كثير، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. شهرستانى، ابى الفتح محمد بن عبدالكريم بن ابى بكر احمد الشافعى، الممل و النحل، بيروت، دارالمعرفة، ج ۴، ۱۴۱۵ ق.
۱۱. صابرى، حسين، تاريخ فرق اسلامى، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
۱۲. طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، جامع البيان فى تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۱۳. عياشى، محمد بن مسعود، كتاب التفسير، تهران، چاپخانه علميه، ۱۳۸۰ ق.
۱۴. قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، قم، دارالكتاب، ج ۴، ۱۳۶۷.
۱۵. \_\_\_\_\_، تفسير قمى، قم، دارالكتاب، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الكوفى، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، بيروت، دار احياء التراث العربى.
۱۸. مقاتل بن سليمان بلخى، تفسير مقاتل بن سليمان، بيروت، دار إحياء التراث، ۱۴۲۳ ق.
۱۹. نورى، محمد، دايره المعارف تشيع، تهران، شهيد سعيد محبى، ۱۳۷۹.
۲۰. نمازى شاهرودى، على، مستدرک سفینه البحار، تهران، بعثت، ۱۴۰۹ ق.